

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 99/06/30

موضوع: شرحی بر خطبه دوم نهج البلاغه در خلافت الهی امیرالمؤمنین (2)

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این سخنرانی:

انکار ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، شبهه اعتقادی یا غرض سیاسی؟!؟

اهلبیت (علیهم السلام) مخزن علم خداوند متعال

ائمه اطهار (علیهم السلام) مرجع و مخزن حکمت احکام الهی

دو کتاب ارزنده برای اهل مطالعه!

گفتگوی شنیدنی امام صادق (سلام الله علیه) با «ابوحنیفه»

پیام صوتی: آیا حضرت زهرا از امیرالمؤمنین غضبناک شد!؟

تماس بینندگان برنامه

خلقت نوری پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) چهارده هزار سال قبل از خلقت حضرت آدم

**مجری:**

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبكة جهانی حضرت ولی عصر». خیلی خوشحال هستیم که این شبکه را برای تماشا انتخاب فرمودید.

شما از طریق ماهواره با فرکانس‌هایی که زیرنویس می‌شود، توانایی دارید این شبکه را دریافت کنید و هم به صورت اینترنتی از شبکه‌های اینترنتی و سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» می‌توانید برنامه‌ها را دنبال بفرمایید.

به روال شب‌های دوشنبه با برنامه «حبل المتین» در خدمت شما و در محضر «حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی» هستیم. سلام علیکم و رحمة الله؛

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این گیتی پهناور، بیننده این برنامه هستند یا تکرار برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از پیش برای همه گرامیان از خداوند مَنان خواهانم.

**مجری:**

بسیار خوب، ان شاء الله. خدمت شما عرض کنیم که ما الحمد لله جلسات پیشین در محضرتان بسیار استفاده کردیم و بهره بردیم.

جلسات قبل نکاتی در مورد امامت امیرالمؤمنین مطرح شد که شروع آن با سؤالی از سوی یکی از بینندگان بود. الحمدلله سؤال به جایی بود که این باب مفتوح شد و حضرتعالی هم بحمدالله تلاش دارید که حق مطلب ادا شود.

ما مبحثی را شروع کردیم نسبت به اینکه آیا امامت امیرالمؤمنین انتخابی است یا انتصابی است و می‌خواستیم از «نهج البلاغه» به این مطلب بپردازیم.

حضرتعالی فرمودید خطبه دوم «نهج البلاغه» را با کنکاش و دقت و وسواس بسیار زیاد بررسی فرمودید و چهارده نکته توسط شما استخراج شده است.

جلسه پیش تا جایی که فرصت به ما اجازه داد دو نکته را از محضرتان بهره بردیم، اما مابقی نکات باقی مانده بود. امشب تا جایی که فرصت باشد، بتوانیم از محضرتان استفاده کنیم.

روال و منش حضرتعالی همیشه همین بوده است که می‌خواستیم از بینندگان عزیز و تلفن‌ها و صحبت‌هایی که هست استفاده کنیم. ان شاءالله این جلسه هم بتوانیم نهایت استفاده را از محضرتان ببریم. در خدمت شما هستیم:

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمدلله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفضو أمری إلى الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ماشاءالله لا حول و لا قوة إلا بالله

همانطور که حضرتعالی اشاره فرمودید، این بحث یکی از بحث‌هایی است که امروز در فضای مجازی مطرح است و در شبکه‌های وهابی سالها مطرح بوده و مخالفین اهل بیت و مخالفین امامت الهی امیرالمؤمنین از دیرباز این مسئله را مطرح می‌کردند.

قدیمی‌ترین کتابی که ما در نقد علمی عقاید شیعه داریم، کتاب «المغنی فی الامامه» اثر «قاضی عبدالجبار معتزلی» متوفای 413 هجری است که با «سید مرتضی» و «شیخ مفید» معاصر بود و ایشان از همان زمان هم این مباحث را مطرح می‌کرد.

در شبکه‌های وهابی هم، در طول دوازده سال اخیر مرتب مطرح شده است که امیرالمؤمنین در «نهج البلاغه» خطبه‌هایی دارد که امامت خود را امامت منصوب الهی و پیغمبر اکرم نمی‌داند، بلکه خلافت و امامتش را انتخابی می‌داند!!

### انکار ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، شبهه اعتقادی یا غرض سیاسی!؟

این که وهابیت به دنبال این قضیه هستند طبیعی است. و اهل سنت به دنبال این قضیه هستند، زیرا این مسائل امامت الهی با مبانی اعتقادی آنها سازگار نیست.

ولی اینکه بعضی از شیعیان به دنبال این قضیه هستند، باید به قضیه‌ای اشاره کنم و امروز هم در بحث «فقه مقارن» به این قضیه اشاره داشتم.

آقایانی که از میان علمای شیعه به دنبال این قضیه هستند، چند دسته هستند. یک دسته تحت تأثیر بعضی از شبکه‌های وهابی قرار گرفته‌اند و اهل مطالعه هم نیستند و حوصله مطالعه خطبه‌های «نهج البلاغه» را هم ندارند.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در بیش از بیست جای «نهج البلاغه» امامت خود را الهی می‌داند و انتقاد شدید از خلفا دارد. حضرت در چند خطبه به صراحت می‌فرماید که اگر من نیرو داشتم، برای گرفتن حقم در زمان خلیفه اول، قیام و جهاد می‌کردم.

ما این مطالب را از کتاب «نهج البلاغه» می‌آوریم تا این آقایان بفهمند واقعیت قضیه چیست. من نمی‌دانم بر بی‌سوادی این آقایان بخندیم یا به بدبختی آنها گریه کنیم!!

وهابیت اگر چنین ادعایی کنند طبیعت کارشان است، اما زمانی که یک بچه شیعه یا یک عالم شیعه این حرف‌ها را مطرح می‌کند نشانه این است که سواد و مطالعه ندارد. معلوم است این افراد حتی یک دوره فهرست «نهج البلاغه» را هم مطالعه نکردند، چه رسد به خود «نهج البلاغه»!!

این افراد هم یک دسته هستند. حال نمی‌دانیم بگوییم معذور هستند یا خیر. اگر این افراد واقعاً قاصر هستند که خداوند ان شاءالله مقدمات هدایتشان را فراهم کند. و اگر این افراد مقصر هستند خداوند از سر تقصیراتشان بگذرد و این افراد را هدایت کند.

بعضی افراد هم در میان شیعیان هستند که امروز در فضای مجازی این مسائل را مطرح می‌کنند. ادعای این افراد ریشه اعتقادی ندارد، بلکه ریشه سیاسی دارد.

بنده با چند تن از این افراد بحث داشتم. به عنوان نمونه شخصی بود که امسال ما با ایشان در اصفهان حدود شش ساعت مناظره داشتیم.

این افراد یک درد مشترک دارند و آن هم بحث «ولایت فقیه» است. این قضیه برای این افراد قابل حل نیست و لذا می‌خواهند به نوعی با ولی فقیه که یکی از رهاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است، مبارزه کنند.

امشب هم اولین روز آغاز حمله ناجوانمردانه صدام به ایران و آغاز هفته دفاع مقدس است. الحق و الانصاف ایرانی‌ها باید به خود افتخار کنند و به خود بی‌بالند.

هر زمانی حمله‌ای در ایران صورت گرفته، ایران بخشی از خاک خود را تسلیم دشمن کرده است. ولی هشت سال تمام دنیا پشت سر صدام بودند و ایران تنها بود، اما یک وجب از خاک ایران تسلیم دشمن نشد.

این بالاترین سعادت است که هر ایرانی اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی و انقلابی و غیر انقلابی باید به این افتخار کند و ببالد.

شهدا و خانواده شهدا حق بزرگی به گردن تک تک مردم ایران دارند. معلوم نیست اگر دشمن به ایران می‌آمد ما چه سرنوشتی داشتیم.

اولین کاری که این افراد می‌کردند، این بود که مساجد ما را خراب می‌کردند، حسینیه‌ها و حوزه‌های علمیه را ویران می‌کردند و شیعیان را قتل عام می‌کردند. این افراد خواب‌های زیادی دیده بودند.

ما بر ارواح پاک شهدا درود می‌فرستیم و برای خانواده معظم شهدا از خداوند عالم در دنیا صبر جمیل و در آخرت اجر جزیل تقاضا می‌کنیم.

متأسفانه عده‌ای هستند از اینکه در جمهوری اسلامی شخصی به نام «ولی فقیه» باشد به طوری که در قانون اساسی دارای اختیارات فوق قانونی باشد، ناراحت هستند و برایشان به دردی تبدیل شده است!

گاهی اوقات آخوندهای سنی شروع به حرف و اعتراض می‌کنند مبنی بر اینکه باید در قانون اساسی نظرخواهی شود. مگر تو چکاره مملکت هستی که ادعا می‌کنی باید نظرخواهی شود!! مردم رأی دادند و ولی فقیه را انتخاب کردند.

بعضی افراد هم که ورشکسته سیاسی هستند، دیدند از انقلاب اسلامی بهره‌ای ندارند. این افراد به دنبال این بودند که به جایی برسند یا رانت‌های آنچنانی به دست بیاورند، اما نتوانستند. همچنین بعضی افراد مورد نظر آنها کنار گذاشته شد.

این افراد به دنبال زیر سؤال بردن ولی فقیه هستند. این افراد در خود می‌بینند عرضه و شجاعت اینکه علناً با ولایت فقیه مبارزه کنند را دارند، به همین خاطر ولایت اهل بیت و امیرالمؤمنین را زیر سؤال می‌برند.

من به همین آقایی که در اصفهان، اوایل سال، شش ساعت با هم مناظره داشتیم، گفتم: عزیز من! تو اگر واقعاً با «ولی فقیه» و ادله «ولایت فقیه» مشکل داری، بیا مرد و مردانه ادله «ولایت فقیه» را نقد کن. قطعاً افرادی هم هستند که پاسخ بدهند.

شما برای اینکه در آخر جزوه خود بگویید: "مبادا کسی از نصب ائمه اطهار، نصب ولایت فقیه را استفاده کند" آمدید چندین صفحه قلم فرسایی کردید و ادعا کردید که علی بن ابی طالب منصوب نبوده است، ما دلیل نداریم و غدیر دلالت بر نصب نمی‌کند!!

شما که ادعا می‌کنید بنی امیه نصب علی بن ابی طالب را مطرح کردند، یک حرف‌هایی می‌بافید که اصلاً شیطان از آن خبر ندارد. همانطور که در روایت داریم شیطان از بعضی افراد قرض می‌کند، باید از چنین افرادی قرض کند.

بنده به ایشان گفتم که شما باید مرد و مردانه بحث «ولایت فقیه» را نقد کنید و افرادی هم هستند که به شما پاسخ بدهند.

شما برای اینکه ولی فقیه را زیر سؤال ببرید، ابتدا ولایت علی بن ابی طالب و ولایت ائمه اطهار را زیر سؤال می‌برید و می‌گویید که ولایت امیرالمؤمنین انتخابی بوده است. بنابراین ولایت «ولی فقیه» هم انتخابی است!!

در حال حاضر در فضای مجازی بعضی افراد هنوز هم این مباحث را مطرح می‌کنند. بنابراین ما نباید بعضی از کسانی که به بعضی از خطبه‌های «نهج البلاغه» همانند خطبه 6 و 92 و 205 استناد می‌کنند، به یک دید نگاه کنیم.

ما جوابمان را می‌دهیم. اولاً بچه شیعه‌های ما اگر با چنین شبهاتی مواجه شدند، بدانند که این شبهات جواب‌های محکم و قاطع و قانع کننده ای دارد.

اصلاً چند خطبه و نامه امیرالمؤمنین علت خاصی دارد. اگر شما صدر و ذیل خطبه را مطالعه کنید، به حقیقت ماجرا پی خواهید برد. خطبه دوم دارای چهارده ویژگی بود که ما دو مورد از آنها را بیان کردیم.

ویژگی اول «هُم مَوْضِعُ سِرِّهِ» است به این معنا که اهل بیت محل اسرار خداوند هستند. ویژگی دوم «وَلَجَأُ أَمْرِهِ» است به این معنا که اهل بیت پناهگاه فرمان خداوند هستند.

### اهلیت (علیهم السلام) مخزن علم خداوند متعال

ویژگی سوم که حضرت در اینجا بیان می‌کند، «عَبِيَّةٌ عِلْمِهِ» است به معنای اینکه اهل بیت مخزن علم خداوند هستند و علم الهی مربوط به اهل بیت است.

ما در این زمینه حرف زیاد داریم. ان شاء الله اگر فرصتی شد و در رابطه با بحث اهل بیت امیرالمؤمنین از جمیع صحابه مطالبی را مطرح کنیم، باید چندین جلسه در این زمینه صحبت کنیم. ما قبلاً هم در خصوص روایت:

### «أنا مدينة العلم وعلى بابها فمن أراد المدينة فليأت الباب»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:

دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج

3، ص 137، ح 4637

صحبت کردیم که نزدیک به هجده نفر از بزرگان اهل سنت روایت را تصحیح کردند. اگر متواتر نگوییم، تقریباً قریب به متواتر است که پیغمبر اکرم فرمود:

### «أنا مدينة العلم وعلى بابها فمن أراد المدينة فليأت الباب»



یا فرمود:

### «أنا مدينة الحكمة وعلى بابها»

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار  
الکتب العلمیة - بیروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد  
عبدالموجود، ج 5، ص 53، ح 5529

در این زمینه ما روایت زیادی داریم، اما به جهت اینکه امشب توضیح مختصری در این خصوص بدهیم و زیاد  
معطل نشویم، روایت صحیحی که در کتاب «شواهد التنزیل» اثر آقای «حسکانی» آمده است را برای شما  
می‌خوانم.

در کتاب «شواهد التنزیل» جلد اول روایتی از قول «عایشه» همسر پیغمبر اکرم نقل شده است که می‌گوید:

### «علی أعلم أصحاب محمد بما أنزل علی محمد»

علی بن أبی طالب عالم‌ترین اصحاب پیغمبر اکرم هست به آنچه بر حضرت نازل شده است.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل؛ الحاکم الحسکانی، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، چاپ: الأولى،  
سال چاپ: 1411 - 1990 م، ناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی-  
مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ج 1، ص 47، ح 40

روایت از نظر مبانی اهل سنت صددرصد صحیح است. حال بنده در این مقام نیستم که بخواهم روایت را  
بررسی سندی کنم.

هرکدام از آقایان خواستند، روایت را بررسی سندی کنند، ما در فرصتی مناسب تک تک راویان را بررسی سندی  
می‌کنیم. تمام راویانی که این روایت را نقل کردند، مورد تأیید حضرات هستند.

آقای «صالحی شامی» که یکی از علمای پرطمطراق اهل سنت و متوفای 942 هجری است، کتابی به نام «سبل الهدی و الرشاد» دارد. ایشان در جلد یازدهم از قول «سعید بن مسیب» یکی از فقهای بنام اهل سنت می‌نویسد:

### «ما کان أحد یقول: سلونی غیر علی»

غیر از علی بن ابی طالب هیچ کدام از صحابه نتوانستند بگویند هرچه می‌خواهید از من سؤال کنید.

هرکسی بعد از علی بن ابی طالب کلمه «سلونی» را گفته، رسوا شده است. در اینجا داستان‌های زیادی وارد شده است که من نمی‌خواهم وقت عزیزان را بگیرم، زیرا از اصل بحث دور می‌شویم. عمده بحث، این جمله «ابن عباس» است که می‌گوید:

### «أعطی علی تسعة أعشار العلم، ووالله لقد شاركهم فی العشر الباقی»

ابن عباس می‌گوید: خداوند نود درصد علوم اسلامی را به علی عطا کرده است و به خدا سوگند علی در ده درصدی که باقی مردم دارند هم سهیم است.

سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، اسم المؤلف: محمد بن یوسف الصالحی الشامی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1414 هـ الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ج 11، ص 289، الباب العاشر

ما همین تعبیر را از «عبدالله بن مسعود» و دیگر صحابه داریم و این روایات یکی دو مورد نیست. همچنین در کتاب «فیض القدیر» اثر آقای «مناوی» متوفای 1031 هجری، یکی از علمای بزرگ اهل سنت مطلبی در این زمینه نقل شده است. ایشان به طور مفصل این روایت را از قول «عبدالله بن مسعود» مطرح می‌کند و می‌گوید که او گفت:

«كنت عند النبي فسئل عن علي كرم الله وجهه»

ما نزد پیغمبر اکرم بودیم و در رابطه با علی بن ابی طالب سؤال پرسیدیم.

«فقال: قسمت الحكمة عشرة أجزاء فأعطى على تسعة أجزاء والناس جزءا واحدا»

پیغمبر اکرم فرمود: حکمت الهی به ده بخش تقسیم شده است که علی بن ابی طالب نه بخش از این حکمت را داراست و تمام خلائق یک بخش دارند.

سپس می‌نویسد:

«وأما على فعنده منه علم الظاهر والباطن»

علی بن ابی طالب هم دارای علوم ظاهری است و هم آگاه به علوم باطنی است.

ایشان در ادامه حدیث: «أنا مدينة العلم وعلى بابها فمن أراد العلم فليأت الباب» را مطرح می‌کند و می‌گوید:

«وقد شهد له بالأعلمية الموافق والمخالف والمعادي والمخالف»

هم موافقین و هم مخالفین و هم دشمنان و هم دشمنان قسم خورده علی به اعلمیت علی بن ابی طالب شهادت داده اند.

جالب اینجاست که ایشان می‌نویسد مردی از «معاویه» در رابطه با مسئله‌ای سؤال کرد؛ او گفت:

«سل عليا هو أعلم مني»

از علی بپرس، زیرا او اعلم از ماست.

این قضیه داستان مفصلی دارد که معاویه نسبت به او اعتراض می‌کند. در ادامه از قول «عطا» یکی از فقهای

بزرگ اهل سنت سؤال کردند:

«أكان أحد من الصحب أفقه من علي قال لا والله»

آیا در میان صحابه کسی فقیه‌تر از علی سراغ داری؟ گفت به خدا نه.

«قال (الحرالی) قد علم الأولون والآخرون أن فهم كتاب الله منحصر إلى علم علي»

حرالی می‌گوید: اولین و آخرین همه می‌دانند که آگاهی به خدا منحصر به علم علی بن ابی طالب است.

لازم به ذکر است که «الحرالی» یکی از بزرگان اهل سنت و مورد تأیید آنهاست و کتاب‌های زیادی در تفسیر دارد. در حال حاضر بنده در مقام ذکر این مطالب نیستم، اما داستان مفصلی دارد.

روایت به این معناست که غیر از علی بن ابی طالب کسی آگاه به علم کتاب نیست. مشتم نمونه خروار است. بنده بیش از صد و چهل روایت با بررسی سندی در اعلمیت امیرالمؤمنین و ائمه اطهار بر همه خلافت، دارم.

ان شاءالله در فرصتی مناسب این روایات را به تدریج بیان خواهم کرد تا بچه شیعه‌ها افتخار کنند به اینکه مولایی همانند امیرالمؤمنین دارند که حتی مخالفینشان هم ادعا می‌کنند که اولین و آخرین، همه می‌دانند فهم کتاب خدا منحصر به علم علی است.

سپس می‌گوید:

«ومن جهل ذلك فقد ضل عن الباب الذي من ورائه يرفع الله عن القلوب الحجاب»

هرکسی بخواهد این فضیلت را انکار کند، انسان گمراهی است که نتوانسته در ورودی به علوم اسلامی و الهی را پیدا کند.

فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، اسم المؤلف: عبد الرؤوف المناوی، دار النشر: المكتبة التجارية الكبرى -

مصر - 1356 هـ الطبعة: الأولى، ج 3، ص 46 و 47، باب أنا دار الحکمة

ایشان روایت زیاد می‌آورد و این قضیه را به طور مفصل مطرح می‌کند. این قضیه نشانگر این است که ائمه اطهار (علیهم السلام) در این زمینه کاملاً مسلط بودند.

نه تنها امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بلکه ائمه اطهار (علیهم السلام) هم همیشه تحدی می‌کردند و می‌فرمودند: کسی مثل ما در علوم وارد نیست.

در کتاب «کافی» جلد اول، «کتاب الحجة» وارد شده است که امام صادق به «سلمة بن کهیل» یکی از فقهای بنام اهل سنت و «حکم بن عتیبة» می‌فرماید:

**«شَرِّقًا وَ غَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»**

اگر شرق و غرب عالم را زیر پا بگذارید، علوم اسلامی را جز از سینه ما اهل بیت نمی‌توانید در جای دیگری پیدا کنید.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 399، ح 3

این تحدی هست. در روایت دیگری وارد شده است که حضرت به «حکم بن عتیبة» می‌فرماید:

**«فَلْيَشْرِقِ الْحَكْمُ وَ لِيَغْرِبْ أَمَا وَ اللَّهُ لَا يَصِيبُ الْعِلْمَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَزَلَ عَلَيْهِمْ جِبْرَائِيلُ»**

اگر حکم بن عتیبه تمام شرق و غرب عالم را زیر پا بگذارد، علم را جز در خاندانی که جبرئیل بر آنها نازل شده است از جای دیگری نمی‌تواند پیدا کند.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1، ص 400، ح 4

مشاهده کنید «ابن حجر عسقلانی» در مورد «سلمة بن کهیل» می‌نویسد:

«سلمة بن كهيل وكان ركنا من الأركان»

تهذيب التهذيب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار

الفكر - بيروت - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى، ج 4، ص 137، ح 269

«سلمة بن كهيل» انسان عادی نیست، بلکه رکنی از ارکان اهل سنت است. امام صادق به چنین شخصی می‌فرماید که اگر شرق و غرب عالم را زیر پا بگذاری، علم صحیح را جز آنچه از سینه ما بیرون می‌آید در جای دیگری نمی‌توانی پیدا کنی!

بازهم «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «تهذيب التهذيب» وقتی به «حکم بن عتیه» می‌رسد، می‌نویسد:

«وعلماء الناس عيال عليه»

علمای اهل سنت عیال در خانه حکم بن عتیه هستند.

تهذيب التهذيب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار

الفكر - بيروت - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى، ج 2، ص 373، ح 756

این دو نفر از استوانه‌های علمی اهل سنت است. «سلمة بن كهيل» رکنی از ارکان است و «حکم بن عتیه» هم شخصیتی است که علمای اهل سنت عیال در خانه او هستند.

امام صادق به چنین شخصیت‌هایی تحدی می‌کند و آنها هم نمی‌توانند پیدا کنند. مشاهده کنید ائمه اطهار (علیهم السلام) چه مطالبی مطرح کردند یا بزرگان اهل سنت نسبت به ائمه اطهار چه مطالبی دارند.

امشب که به نقلی میلاد امام باقر (علیه السلام) هم هست، مشاهده کنید که علمای اهل سنت نسبت به این بزرگوار چه مطالبی آورده‌اند.

در کتاب «تذكرة الخواص» اثر «سبط ابن جوزی» از قول «عطاء» که یکی از فقهای بزرگ اهل سنت است نقل می کند که گفت:

**«ما رأيت العلماء عند أحد أصغر علماً منهم عند أبي جعفر لقد رأيت الحكم عنده كأنه عصفور»**

هیچ عالمی ندیدم که نسبت به علم در برابر امام باقر احساس حقارت نکرده باشد. من حکم بن عیینه را دیدم که در محضر امام باقر مثل گنجشک بود.

تذكرة الخواص، المعروف بتذكرة خواص الأمة في خصائص الأئمة، للعلامة سبط ابن الجوزي (654 هـ)؛ تحقيق ودراسة: الدكتور عامر النجار أستاذ الفلسفة الإسلامية بجامعة قناة السويس الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، الطبعة الأولى، 1429 هـ - 2008 م؛ ص 631

علما هرچقدر خود را بالاتر می دانستند، وقتی در برابر امام باقر قرار می گرفتند کوچک تر می شدند. همین تعبیر در کتاب «شذرات الذهب» اثر «ابن عماد حنبلی» هم آمده:

**« ما رأيت العلماء عند أحد أصغر منهم علماً عنده»**

من ندیدم علما در جای دیگر احساس حقارت کنند، آنطور که در برابر امام باقر احساس حقارت می کنند.

شذرات الذهب في أخبار من ذهب؛ المؤلف: عبد الحي بن أحمد بن محمد ابن العماد العكري الحنبلي، أبو الفلاح (المتوفى: 1089 هـ)، حققه: محمود الأرناؤوط، خرج أحاديثه: عبد القادر الأرناؤوط؛ الناشر: دار ابن كثير، دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، 1406 هـ - 1986 م، ج 2، ص 72

همچنین «ذهبی» با آن همه نام و آوازه در کتاب «سير أعلام النبلاء» جلد سیزدهم وقتی به امام محمد باقر (علیه السلام) می رسد، می نویسد:

## «أبو جعفر الباقر سيد امام فقيه يصلح للخلافة»

امام محمد باقر سيد و مولاست، امام است، فقيه است و صلاحيت خلافت دارد.

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ج 13، ص 120

«ذهبي» چنان بود که «سخاوی» می‌گوید: استاد ما «ذهبی» دارای نفاق درونی است و تلاش می‌کند فضائل اهلبيت را به نوعی کتمان کند.

ما در این زمینه حرف زیاد داریم، اما به همین اندازه اکتفا می‌کنیم که وقتی امیرالمؤمنین می‌فرماید که اهلبيت مخزن علوم الهی هستند، به این معناست.

مخزن علوم الهی به این معناست که مخالفین و علمای اهل سنت هرچقدر بزرگ بودند و برای خود شأن علمی بالایی قائل بودند، وقتی نزد ائمه اطهار می‌آمدند می‌دیدند که علومشان در برابر اهلبيت ناچیز است. علم ائمه اطهار متصل به منبع وحی است.

### مجری:

بسیار عالی. خیلی ممنون و متشکرم. الحمدلله مطالب هم از کتب اهل سنت و هم از کتاب «کافی شریف» کاملاً قابل استفاده بود و از محضرتان بهره مند شدیم. فاصله‌ای بگیریم و سپس به محضرتان برگردیم.

سلام مجدد عرض می‌کنم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبكة جهانی حضرت ولی عصر» و تشکر می‌کنیم که تا این لحظه همراه و همگام برنامه «حبل المتین» بودید.



استفاده می‌کردیم از محضر حضرت استاد «آیت الله دکتر حسینی قزوینی» و این شرحی که بر خطبه دوم «نهج البلاغه» داشتند. ما از استاد قول گرفتیم چهارده نکته را از محضرشان استفاده کنیم.

### ائمه اطهار (علیهم السلام) مرجع و مخزن حکمت احکام الهی

استاد! تا الآن به سه مورد از این ویژگی‌ها اشاره فرمودید؛ ویژگی اول «هُم مَوْضِعُ سِرِّهِ» است، ویژگی دوم «وَجِبَاطُ أَمْرِهِ» و ویژگی سوم «عَبِيَّةٌ عِلْمِهِ» است. حال به ویژگی چهارم می‌رسیم. از محضرشان بهره مند می‌شویم.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با ویژگی چهارم «و مَوْضِعُ حُكْمِهِ» آمده است که اهل بیت (علیهم السلام) مرجع حکمت احکام الهی هستند.

خداوند عالم حکیم است و هرچه را برای بشر واجب کرده است، حرام کرده است، مستحب کرده و یا مکروه کرده، تماماً دارای حکمتی است.

بنده همین امروز صبح بعد از نماز، کلیپی را می‌دیدم که در این کلیپ آمده بود که در آمریکا دو خانم زایمان کرده بودند، فرزند یکی دختر و فرزند دیگری پسر بود. مشتبه شد و معلوم نشد دختر متعلق به کدام خانم و پسر متعلق به کدام خانم است.

آنها آزمایش «دی ان ای» دادند و هردو آزمایش شبیه همدیگر شد. رئیس بیمارستان بنا به مسائلی گفت که این کار از دست علمای شیعه ساخته است. آن‌ها آمدند از یکی از علمای شیعه سؤال کردند که ما چکار کنیم؟! عالم شیعه گفت: شیر این دو خانم را مورد آزمایش قرار بدهید. شیر هرکدام دارای مواد معدنی و آهن بیشتری باشد و سنگین باشد مادر نوزاد پسر است، زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

(يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ)

خداوند به شما در باره فرزندانتان سفارش می‌کند که (از میراث) برای پسر به اندازه سهم دو دختر باشد.

### سوره نساء (4): آیه 11

مادری که مواد معدنی و آهنی شیر او کمتر است و شیرش سبک‌تر است، مادر دختر است. پزشکان انجام دادند و دیدند کدام فرزند متعلق به کدام مادر است. این موارد نمونه‌های جزئی است.

### دو کتاب ارزنده برای اهل مطالعه!

مرحوم «دکتر پاک نژاد» که در قضیه هفت تیر جزو هفتاد و دو تن شهید بودند و در ساختمان حزب جمهوری اسلامی شهید شدند، کتابی به نام «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» دارد.

بنده به یاد دارم قبل از انقلاب زمانی که این کتاب چاپ می‌شد، همین که جلد اول منتشر می‌شد ما آن را دریافت می‌کردیم. همچنین زمانی که جلد دوم منتشر می‌شد ما آن را دریافت می‌کردیم. بنده فکر کنم هفده یا هجده جلد این کتاب را دارم.

ایشان تمام احکام الهی را تک تک با علوم روز تطبیق داده است. خیلی عجیب است. اگر اشتباه نکنم کار خوبی که ایشان کرده است، این است که وقتی هفت جلد از این کتاب را نوشته، جلد هشتم را به خلاصه هفت جلد گذشته اختصاص داده است.

همچنین زمانی که سیزده جلد نوشته است، جلد چهاردهم را به خلاصه سیزده جلد گذشته اختصاص داده است تا کسی که حوصله مفصلات ندارد کتاب مختصر را بخواند.

هرگاه بحث فلسفه و حکمت‌های الهی به میان می‌آید، بنده از این مرد یاد می‌کنم. الحق و الانصاف بنده از این کتاب خیلی استفاده کردم و به دوستان هم توصیه می‌کنم این کتاب را مطالعه کنند.

حال نمی‌دانم فایل «پی دی اف» این کتاب در اینترنت موجود هست یا خیر، اما بسیار کتاب خوبی است. ما نمی‌خواهیم بگوییم هرچه ایشان می‌گوید دقیق است، اما این مسئله قطعی است که احکام الهی قطعاً روی حکمت است و بدون حکمت نیست.

این که نماز صبح دو رکعت است و سه رکعت نیست، قطعاً حکمتی دارد. وقتی انسان ادرار می‌کند و در آن جا تنها شستن کفایت می‌کند، اما زمانی که منی بیرون می‌آید غسل نیاز دارد، ائمه اطهار تک تک حکمت‌های آنها را بیان کردند.

«مرحوم شیخ صدوق» متوفای 381 هجری که صاحب کتاب «من لا یحضره الفقیه» یکی از کتب اربعه هم هست، کتابی به نام «علل الشرایع» دارد که در دو جلد به چاپ رسیده است.

ایشان در این کتاب تمام احکامی که فلسفه و حکمتش از ائمه اطهار آمده است را بیان کرده است. بنده به دوستان توصیه می‌کنم این کتاب را حتماً مطالعه کنند.

کتابی که ملاحظه می‌کنید، کتاب «علل الشرایع» است. اصلاً تمام علت و حکمت احکام الهی را در این دو جلد آورده است. خوشبختانه این کتاب ترجمه هم دارد.

دوستان می‌توانند ترجمه فارسی این کتاب را که ترجمه و تحقیق آن توسط «سید محمد جواد ذهنی تهرانی» (رضوان الله تعالی علیه) صورت گرفته است مطالعه کنند.

«سید محمد جواد ذهنی تهرانی» یکی از اساتید حوزه بود و شرح خوبی هم بر لمعه دارد. یکی از بهترین شرح‌های لمعه و شرح لمعه اثر ایشان است. ایشان از دوستان ما بودند.

**گفتگوی شنیدنی امام صادق (سلام الله علیه) با «ابوحنیفه»**

خداوند عالم حکیم است و هرچه را برای بشر واجب کرده است، حرام کرده است، مستحب کرده و یا مکروه کرده، تماماً دارای حکمتی است و اهل بیت (علیهم السلام) مرجع حکمت احکام الهی هستند.

بنده تنها یک روایت به عنوان نمونه اشاره می‌کنم. عزیزان دقت کنند که در کتاب «علل الشرایع» اثر «مرحوم شیخ صدوق» جلد اول صفحه 89 روایت بسیار مفصلی نقل شده است. اگر ما بخواهیم فارسی روایت را بخوانیم، ده دقیقه طول می‌کشد.

راوی می‌گوید: زمانی که مدینه بودم، شخصی آمد از امام صادق مسئله‌ای را سؤال کرد و حضرت جوابی دادند. زمانی که به کوفه رفته بودم، «ابوحنیفه» آنجا بود. همان فرد همان سؤال را از «ابوحنیفه» پرسید و او طور دیگری جواب داد.

من نزد «ابوحنیفه» رفتم و گفتم: وقتی که در مدینه بودم، این شخص آمد و این سؤال را از امام صادق پرسید و حضرت چنین جوابی به او دادند. شما خلاف آن جواب را دادید. جالب اینجاست که «ابوحنیفه» گفت:

«وَمَا يَعْلَمُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَنَا أَعْلَمُ مِنْهُ»

امام جعفر صادق که علم ندارد، من از او عالم‌تر هستم.

«أَنَا لَقَيْتُ الرَّجَالَ وَ سَمِعْتُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ»

من این همه استاد دیدم و از زبان آنها مطالبی فهمیدم.

«وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ صُحْفِي أَخَذَ الْعِلْمَ مِنَ الْكُتُبِ»

جعفر بن محمد مکتبی است و علمش را از کتاب‌ها گرفته است.

این روایت برای من بسیار جالب است. راوی نقل می‌کند که این قضیه گذشت و ما با «ابوحنیفه» در ایام حج بودیم. من گفتم: می‌خواهید برویم با امام صادق دیداری داشته باشیم.

لازم به ذکر است که این اولین دیدار «ابوحنیفه» با امام صادق است. من خدمت امام صادق بودم که در را زدند. غلام رفت و گفت: افرادی آمدند که یکی از آنها «ابوحنیفه» است. «ابوحنیفه» آمد و به امام صادق سلام داد. امام صادق جواب او را دادند. ابوحنیفه» به حضرت عرضه داشت:

«أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَتَأْتُنِي فِي الْفُجُودِ»

خداوند به شما خیر دهد. اجازه می‌دهید من بنشینم؟

حضرت همینطور با اصحاب صحبت می‌کردند و به سخن «ابوحنیفه» توجه نکردند. من از عزیزان بیننده تقاضا دارم این نکته را خوب دقت کنند. ائمه اطهار (علیهم السلام) هر حرکتی انجام می‌دهند، از روی مصلحت و حکمت است.

«ابوحنیفه» برای مرتبه دوم عرضه داشت: اجازه می‌دهید من بنشینم؟ حضرت بازهم جواب ندادند و مشغول صحبت بودند. «ابوحنیفه» برای مرتبه سوم گفتند: اجازه می‌دهید من بنشینم؟ حضرت بازهم جواب ندادند.

«فَجَلَسَ أَبُو حَنِيفَةَ مِنْ غَيْرِ إِذْنِهِ»

ابوحنیفه بدون اینکه امام صادق اجازه بدهند، نشست.

حال دقت داشته باشید که امام صادق (علیه السلام) می‌خواهند چکار کنند. من از عزیزان تقاضا دارم به این نکته دقت کنند.

وقتی امیرالمؤمنین می‌فرماید اهل بیت (علیهم السلام) مخزن حکمت احکام الهی هستند، به این معناست که تمام کارهای آن بزرگان بر مبنای حکمت و فلسفه و علت است.

امام صادق (علیه السلام) سپس از او پرسیدند: شما فقیه اهل عراق هستید؟ او گفت: بله. حضرت پرسید: شما به چه چیزی فتوا می‌دهید؟ او گفت: به کتاب خدا و سنت نبی او. حضرت پرسید: آیا کتاب خدا را می‌شناسی؟ آیا ناسخ و منسوخ را می‌شناسی؟ او گفت: بله. حضرت فرمود: من سؤالی از تو می‌پرسم؛

«فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ- سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ أَيْنَ ذَلِكَ مِنَ الْأَرْضِ»

به من بگو این که خداوند عالم می‌فرماید: شبانه روز در آن منطقه مسافرت کنید و از هرگونه مشکل در امان هستید، کجاست؟

مراد حضرت این بود کجای کره زمین است که قرآن کریم در مورد آن می‌فرماید:

(سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ أَيْنَ ذَلِكَ مِنَ الْأَرْضِ)

(و به آنها گفتیم) شبها و روزها در این آبادیها در امنیت کامل مسافرت کنید.

سوره سبأ (34): آیه 18

«قَالَ أَحْسَبُهُ مَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ»

ابوحنیفه گفت: حتماً مابین مکه و مدینه است.

«فَالْتَفَتَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ تَعْلَمُونَ أَنَّ النَّاسَ يَفْطَعُ عَلَيْهِمْ بَيْنَ الْمَدِينَةِ وَ مَكَّةَ فَتُؤْخَذُ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا يُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ يَقْتُلُونَ»

امام صادق به اصحاب رو کرد و فرمود: آیا می‌دانید که قطاع الطريق میان مکه و مدینه است به طوری که اموال مردم را می‌گیرند و آنها را به قتل می‌رسانند؟

«قَالُوا نَعَمْ»

همه گفتند: بله.

«قَالَ فَسَكَتَ أَبُو حَنِيفَةَ»

ابوحنیفه ساکت ماند.

«فَقَالَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا أَيَنْ ذَلِكَ مِنَ الْأَرْضِ»

امام صادق فرمود: ای ابو حنیفه! به من خبر بده کدام زمین هست که به فرموده خداوند متعال هرکسی وارد آنجا شود از هر مشکل و گرفتاری ایمن است؟

«قَالَ الْكَعْبَةُ»

ابوحنیفه گفت: کعبه است.

«قَالَ أَ فَتَعْلَمُ أَنَّ الْحَجَّاجَ بْنَ يَوْسُفَ حِينَ وَضَعَ الْمُنْجَنِيْقَ عَلَى ابْنِ الرَّبِيعِ فِي الْكَعْبَةِ فَقَتَلَهُ كَانَ آمِنًا فِيهَا»

حضرت فرمود: آیا زمانی که حجاج بن یوسف که با منجینق کعبه را ویران کرد و افراد زیادی از جمله عبدالله بن زبیر کشته شد، این افراد در امان نبودند؟

«قَالَ فَسَكَتَ»

ابوحنیفه ساکت ماند.

«فَقَالَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ أَيَّمَا أَرْجَسِ الْبُؤْلِ أَوْ الْجَنَابَةِ»

حضرت فرمود: یا ابا حنیفه! آیا ادرار کثیف‌تر است یا منی؟

«فَقَالَ الْبُؤْلُ»

ابوحنیفه گفت: ادرار نجس‌تر است.

به طور کلی اهل سنت منی را پاک می‌دانند.

«فَقَالَ فَمَا بَالُ النَّاسِ يَغْتَسِلُونَ مِنَ الْجَنَابَةِ وَلَا يَغْتَسِلُونَ مِنَ الْبَوْلِ»

حضرت فرمود: پس چرا وقتی منی خارج می‌شود انسان باید غسل کند، اما در ادرار تنها شستن کافی

است؟

«فَسَكَتَ»

ابوحنیفه ساکت ماند.

«فَقَالَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ أَيُّمَا أَفْضَلُ الصَّلَاةُ أَمْ الصَّوْمُ»

حضرت فرمود: یا ابا حنیفه! آیا نماز افضل است یا روزه؟

«قَالَ الصَّلَاةُ»

ابوحنیفه گفت: نماز.

«قَالَ فَمَا بَالُ الْحَائِضِ تَقْضِي صَوْمَهَا وَلَا تَقْضِي صَلَاتَهَا»

حضرت فرمود: پس چرا بر زن حائض قضا روزه واجب است، اما قضا نماز واجب نیست؟

اگر وجوب نماز بالاتر باشد، زن بعد از پاک شدن باید نماز خود را قضا کند و روزه خود را قضا نکند.

«فَسَكَتَ»

ابوحنیفه ساکت ماند.



علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج 1، ص 89، ح 5

مجری:

چه جالب! حضرت در تک تک این موارد همان قیاس باطل خود را دارد به رخ او می‌کشد که با این قیاس اشتباه کرده است؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خیلی جالب است. این روایت را باید چندین جلسه مطرح کرد و می‌توان از آن حدود پنجاه یا شصت نکته بیرون آورد و تحلیل کرد. این روایت در کتاب «علل الشرائع» چندین صفحه است.

بنده از عزیزان تقاضا می‌کنم خوب دقت کنند. حضرت در ادامه چندین سؤال دیگر پرسید، سپس «ابوحنیفه» عرضه داشت:

«أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّ عِنْدَنَا قَوْمًا بِالْكَوْفَةِ يَزْعُمُونَ أَنَّكَ تَأْمُرُهُمْ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ»

خداوند به شما خیر بدهد. عده‌ای از شیعیان در کوفه هستند که تصور می‌کنند شما دستور دادید که از شیخین اظهار برائت کنند.

«فَقَالَ وَيْلَكَ يَا أَبَا حَنِيْفَةَ لَمْ يَكُنْ هَذَا مَعَاذَ اللَّهِ»

امام صادق فرمود: ابو حنیفه! وای بر تو. من به کسی دستور ندادم که از شیخین اظهار برائت کنند.

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج 1، ص 91، ادامه ح 5

بنده بارها روایتی را بیان کردم که تصور می‌کنم بینندگان خردسال ما هم آن را حفظ شده باشند. «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «اعتقادات» و «شیخ مفید» در کتاب «شرح اعتقادات» صفحه 107 و «مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد 74 صفحه 217 می‌نویسد:

«وَقِيلَ لِلصَّادِقِ- عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يَغْلِبُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسْمِيهِمْ»

افرادی به امام صادق عرضه داشتند: یابن رسول الله! ما در مسجد فردی را مشاهده می‌کنیم که آشکارا به دشمنان شما دشنام می‌دهد و آنها را نام می‌برد.

«فَقَالَ: «مَا لَهُ- لَعْنَةُ اللَّهِ- يَغْرِضُ بِنَا»

امام صادق فرمود: چه مرضی دارد؟ لعنت خدا بر او باد! با این کارش زبان دشمنان را علیه ما باز می‌کند.

إِعْتِقَادَاتُ الْإِمَامِيَّةِ (لِلصَّدُوقِ)، نُوَيْسِنْدَه: ابْنِ بَابُوِيَه، مُحَمَّدُ بِنِ عَلِيٍّ، ص 107، بَابُ الْإِعْتِقَادِ فِي التَّقِيَّةِ

در اینجا هم وقتی «ابوحنیفه» به امام صادق عرضه می‌دارد: عده‌ای در کوفه می‌گویند که شما به این افراد دستور دادید که از شیخین براءت کنند. حضرت فرمود: معاذ الله.

«فَقَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّهُمْ يَعْظُمُونَ الْأَمْرَ فِيهِمَا»

ابوحنیفه گفت: خداوند به شما خیر دهد. مردم کوفه عمل خلفا را بزرگ می‌دانند.

«قَالَ فَمَا تَأْمُرُنِي»

حضرت فرمود: نظرتان چیست؟ از من چه می‌خواهید؟

«قَالَ تَكْتُبُ إِلَيْهِمْ»

ابوحنیفه گفت: شما برای این افراد نامه‌ای بنویسید.

«قَالَ بِمَاذَا»

حضرت فرمود: در چه موضوعی نامه بنویسم؟

«قَالَ تَسْأَلُهُمُ الْكُفَّ عَنْهُمَا»

ابوحنیفه گفت: نامه بنویسید که دست از عمر و ابوبکر بردارند.

«قَالَ لَا يَطِيعُونِي»

حضرت فرمود: آن‌ها از من اطاعت نمی‌کنند.

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج 1، ص 91، ادامه ح 5

به همین خاطر در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه 636 حدیث 4 و 5 وارد شده است که حضرت به «معاویة بن وهب» می‌گوید: به آن دسته از شیعیانی که از من اطاعت می‌کنند، سلام برسان و بگو برخوردشان با اهل سنت همان برخوردی باشد که ما داریم:

«قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا وَ بَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْشُوا عَلَيَّ  
أَمْرِنَا»

راوی عرضه داشت: چگونه باید با خود و قوم خود و کسانی از اهل سنت که با آنها معاشرت داریم، اما بر ولایت شما همانند ما نیستند رفتار کنیم؟

«قَالَ تَنْظُرُونَ إِلَيَّ أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَضَعُونَ مَا يَضَعُونَ»

حضرت فرمود: به امامان خود، کسانی که به آنها اقتدا می‌نمایید نظر کنید و هرکاری آنها کردند شما نیز چنین کنید.

«فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَ يَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَ يُوَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»

به خدا سوگند که امامان شما بیماران آنها را عیادت می‌کنند و در تشییع جنازه‌شان حاضر می‌شوند و به نفع و ضرر آنها گواهی می‌دهند و امانت را به آنها بازمی‌گردانند.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2، ص 636، ح 4

حضرت به صراحت فرمودند که اگر این افراد شیعه ما هستند و از ما اطاعت دارند، به آنها سلام برسان و بگو رفتارتان با اهل سنت باید مطابق رفتار ما با اهل سنت باشد. در اینجا هم حضرت خطاب به «ابوحنیفه» می‌فرماید:

«قَالَ لَا يَطِيعُونِي»

حضرت فرمود: آنها از من اطاعت نمی‌کنند.

این افراد می‌گویند که ما در همه چیز مقلد امام صادق هستیم، اما در اینجا نیستیم!! در زمان آیت الله العظمی بروجردی مردم بروجرد خدمت ایشان آمده بودند. ایشان از مردم بروجرد پرسیده بود: شما مقلد چه کسی هستید؟ آنها گفتند: مقلد شما ایم.

ایشان گفته بودند شنیدم شما در ایام تاسوعا و عاشورا قمه می‌زنید. نظر بنده این است که این قمه زنی درست نیست. رئیس این هیئت در جواب گفته بود: ما تمام روزهای سال مقلد شما هستیم، اما روز عاشورا مقلد شما نیستیم!!

شیعیانی که می‌بینیم، امروز در شبکه‌های ماهواره‌ای توهین و فحاشی می‌کنند، آیا این کارها غیر از تشدید کشت و کشتار شیعه نتیجه دیگری هم دارد؟!

در حال حاضر در پاکستان شیعه کشی شروع می‌شود و منشأ آن هم این است که چند تن از شیعیان تندرو و شیعیان انگلیسی در شبکه‌ها و بالای منابر نسبت به مقدسات اهل سنت فحاشی می‌کنند.

فرض بفرمایید ابوبکر و عمر و عایشه و معاویه برای شما مقدس نیست، اما برای او مقدس است. اگر کسی به ائمه اطهار و مقدسات شما توهین کند، چکار می‌کنید؟! شما که نمی‌توانید بگویید که اشتباه می‌کنید و نباید این افراد برای شما مقدس باشد!

بنابراین ائمه اطهار (علیهم السلام) اخلاق و برخوردشان با اهل سنت یک برخورد کاملاً تقریبی و دوستانه بوده است.

اهلیت در ضمن اینکه انتقاد می‌کردند، ادله می‌آوردند، غصب خلافت را مطرح می‌کردند، و حقانیت امیرالمؤمنین را بیان می‌کردند اما بیانی علمی با استدلال‌ات منطقی نه با فحش و توهین و سب.

در هر صورت امام صادق (سلام الله علیه) در اینجا می‌فرماید:

**«قَالَ لَا يَطِيعُونِي»**

حضرت فرمود: آن‌ها از من اطاعت نمی‌کنند.

**«قَالَ بَلَى أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِذَا كُنْتَ أَنْتَ الْكَاتِبَ وَ أَنَا الرَّسُولُ أَطَاعُونِي»**

ابوحنیفه عرض کرد: در صورتی که نویسنده نامه شما باشید و قاصد نامه من باشم اطاعت می‌نمایند.

«قَالَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ أَبَيْتَ إِلَّا جَهْلًا كَمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْكُوفَةِ مِنَ الْفَرَسِخِ»

حضرت فرمود: یا ابا حنیفه! فکر نمی‌کردم اینقدر جاهل باشی. چند فرسخ بین من تا کوفه است؟

«قَالَ أَضَلَّكَ اللَّهُ مَا لَا يَخْضِي»

ابوحنیفه عرض کرد: فاصله زیاد است.

«فَقَالَ كَمْ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ»

حضرت فرمود: بین من و تو چند فرسخ فاصله است؟

«قَالَ لَا شَيْءَ»

ابوحنیفه عرض کرد: فاصله کمی است.

«قَالَ أَنْتَ دَخَلْتَ عَلَيَّ فِي مَنْزِلِي فَاسْتَأْذَنْتَ فِي الْجُلُوسِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَلَمْ آذَنْ لَكَ فَجَلَسْتَ بِغَيْرِ إِذْنِي

خِلَافًا عَلَيَّ كَيْفَ يَطِيعُونِي أَوْلَيْكَ وَ هُمْ هُنَاكَ وَ أَنَا هَاهُنَا»

حضرت فرمود: هنگامی که تو در منزل من داخل شدی، سه مرتبه اذن نشستن گرفتی و من به تو اذن

ندادم تا آخر الامر بدون اذن من نشستی و با من مخالفت نمودی. چطور مردم کوفه مرا اطاعت نمایند

با اینکه من اینجا هستم و آنها در کوفه؟

«قَالَ فَقَبَّلَ رَأْسَهُ وَ خَرَجَ وَ هُوَ يَقُولُ أَعْلَمُ النَّاسِ وَ لَمْ نَرَهُ عِنْدَ عَالِمٍ»

ابوحنیفه از شرمندگی سر به زیر افکند و از خدمت امام بیرون رفت در حالی که می‌گفت: امام صادق

دانشمندترین و عالم‌ترین مردم است و کسی را در علم همانندش نیافتم.

## علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج 1، ص 89، ح 5

اینکه حضرت سه مرتبه به درخواست «ابوحنیفه» پاسخ ندادند، به جهت این است که حضرت می‌دانند قضایا چیست. اهل بیت (علیهم السلام) عالم به علوم آسمانی و زمینی و عالم به علم ما کان و ما یکون و ما هو کائن هستند. لذا امیرالمؤمنین می‌فرمایند: ائمه اطهار (علیهم السلام) مرجع و مخزن حکمت احکام الهی هستند.

این بدان معناست که هر حکمی را که خداوند عالم واجب کرده است، آن‌ها حکمتش را می‌دانند، هر چیزی که خداوند حرام کرده است، اهل بیت حکمتش را می‌دانند. هر چیزی که خداوند عالم مستحب و مکروه و مباح اعلام کرده است، اهل بیت حکمتش را می‌دانند. تمام حکمت احکام الهی در نزد ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

کتاب «علل الشرائع» اثر «مرحوم شیخ صدوق» هم شاید توانسته چندین هزار روایت از ائمه اطهار (علیهم السلام) تنها و تنها در حکمت احکام و خلقت الهی جمع کند.

امام باقر و امام صادق و ائمه اطهار (علیهم السلام) تمامی این مسائل را برای ما بیان فرمودند.

### مجری:

خیلی ممنون، بسیار شیوا و شیرین بیان کردید و کاملاً قابل استفاده بود. حیفمان می‌آید که بخواهیم از این بحث بگذریم، اما طبق توصیه حضرتعالی باید بیشتر به بینندگان پردازیم.

ان شاءالله یک میان برنامه می‌بینیم و بعد به پیام‌ها و تماس‌هایی که شما بینندگان با ما در ارتباط بودید می‌پردازیم.

سلام مجدد عرض می‌کنم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند. با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان شما هستیم.

افراد زیادی به صورت صوتی یا متنی پیام فرستادند و افرادی هم پشت خط هستند. ان شاءالله تا جایی که فرصت به ما اجازه بدهد، به بینندگان می‌پردازیم و پاسخگوی شما عزیزان هستیم. یک پیام صوتی برایمان فرستاده شده که با هم می‌شنویم:

### پیام صوتی: آیا حضرت زهرا از امیرالمؤمنین غضبناک شد!؟

ما در کتب شیعه داریم گفته شده است که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سرش را در آغوش کنیزی گذاشته بود. وقتی حضرت صدیقه طاهره وارد منزل شد و دید سر مبارک حضرت در آغوش یک کنیز است، در همان جا عصبانی شد و به خانه پدرش رجوع کرد و ناراحت شد و شکوه کرد.

بنده می‌خواستم ببینم آیا شکوه و ناراحتی حضرت فاطمه زهرا از امیرالمؤمنین شامل قول پیغمبر اکرم که فرمودند: "هرکسی فاطمه را بیازارد مرا آزرده است"، هم می‌شود یا خیر!؟

اگر ممکن است به این شبهه هم پاسخ بدهید، زیرا این مطلب در کتب شیعه آمده است و باید جواب قانع کننده‌ای هم برای این شبهه پیدا کنیم.

### مجری:

بسیار خوب، تشکر می‌کنیم از این عزیزی که با پیام صوتی در واتس آپ با برنامه همراهی کردند و دغدغه خودشان را مطرح فرمودند.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با این قضایا آقایان می‌خواهند مطالبی را از کتب شیعه مطرح کنند. عزیزان دقت کنند در کتاب «علل الشرایع» جلد اول صفحه 183 این قضایا مطرح شده است.



این قضیه که امیرالمؤمنین می‌خواست همسر دیگری غیر از حضرت فاطمه زهرا اختیار کند، همانطور که در قضیه «خطبه بنت اُبی جهل» مطرح شد بیان کردیم که روایات سندا کاملاً ضعیف است و هیچ سند درست و حسابی ندارد.

ما در ایام فاطمیه مفصل سند این روایات را بررسی کردیم. به عنوان مثال در سند روایت «علی بن احمد بن محمد» ذکر شده است که آیت الله العظمی خوئی بر این عقیده هستند که او مجهول است. بعد از او «احمد بن محمد بن یحیی» است که مجهول است.

روایت مرفوعه است. وقتی روایت مرفوعه شد، هیچ ارزشی ندارد. به علاوه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بارها می‌فرمودند: به خدا سوگند حضرت زهرا را مرضیه در یک چشم به هم زدن مرا نیاززد و من هم به اندازه چشم بهم زدنی زهرا را نیازردم.

عصمت اهل بیت (علیهم السلام) قطعی است. این روایات را بنی امیه درست کردند و مطرح کردند تا ادعا کنند مخاطب روایتی که از پیغمبر اکرم نقل کردند که حضرت فرمود:

**«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»**

فاطمه پاره تن من است و هرکسی فاطمه را بیازارد مرا آزرده است.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 3، ص 1361، ح 3510

امیرالمؤمنین بوده است. «ابن تیمیه» هم در کتاب «منهاج السنة» این قضیه را مفصل مطرح کرده است.

ما بارها گفتیم آقای «بخاری» در کتاب «صحیح» خود جلد چهارم صفحه 210 حدیث 3714 و جلد چهارم صفحه 42 حدیث 3093 این روایت را مطرح کرده است. همچنین «مسلم» در کتاب «صحیح» خود جلد 7 صفحه 141 حدیث 6202 این روایت را مطرح کرده است.

بنی امیه می‌خواهند این روایت را که مربوط به غضب حضرت فاطمه زهرا از ابوبکر است که «بخاری» در کتاب «صحیح» خود جلد سوم صفحه 1126 حدیث 2926 و جلد پنجم صفحه 85 حدیث 4142 نقل کرده است:

**«فَعَصِبْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرْتُ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ»**

فاطمه دختر رسول الله از ابوبکر غضبناک شد و تا زمانی که از دنیا رفت با او حرف نزد.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 3، ص 1126، ح 2926

را زیر سؤال ببرند و به دنبال این هستند. این احادیث همگی به دنبال این مسائل است، وگرنه امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره کوچکترین اختلاف و ناراحتی از یکدیگر نداشتند.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: قسم به والله که نه من زهرا را در طول این مدت آزرده و نه حضرت فاطمه زهرا مرا آزرده است.

این افراد تصور می‌کنند که زندگی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) همانند زندگی افراد عادی بوده است.

**مجری:**

بسیار عالی. چقدر هم در کتب مختلف بسیار ملاحظه کردیم که بنی امیه فضائل حضرت را غصب و به نفع خودشان مصادره می‌کنند. از طرف دیگر چنین ذم‌هایی را می‌خواهند به حضرت نسبت بدهند.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بدتر از اینها را هم مطرح کرده‌اند. این افراد در رابطه با امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا حرف‌هایی مطرح کرده‌اند که قلب انسان به درد می‌آید.

الآن فرصت نیست که بگوییم بنی امیه (لعنهم الله) و شجره ملعونه در قرآن کریم چه حرف‌هایی نسبت به امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا جعل کرده‌اند.

### مجری:

بسیار خوب، از محضرتان استفاده کردیم. همچنین از این عزیزی که این پیام را به صورت صوتی برای ما فرستادند، تشکر می‌کنیم.

### تماس بینندگان برنامه:

آقای هاشمی از مشهد پشت خط هستند. آقای هاشمی سلام عرض می‌کنیم و در خدمتتان هستیم:

بیننده (آقای هاشمی از مشهد - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. سلام عرض می‌کنم خدمت مجری محترم و استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی. ایام محرم و صفر و ایام اسارت آل الله را تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

بنده از آیت الله قزوینی دو سؤال داشتم. دو حدیث قدسی از رسول الله است که حضرت فرمود: من از جبرئیل شنیدم که فرمود از خداوند متعال شنیدم که خداوند بیست و چهار هزار سال قبل از خلقت عالم و انسان، ما پنج تن آل عبا را خلق کرده بود.

سؤال دوم در خصوص این است که پیغمبر اکرم فرمود که از قول جبرئیل از خداوند متعال شنیدم که اگر مردم دست به دست همدیگر می‌دادند و علی بن ابی طالب را دوست می‌داشتند، من جهنم را خلق نمی‌کردم.

آیا این حدیث قدسی است؟! آیا در کتب اهل سنت هم آمده است یا خیر؟! همچنین یک سؤال هم به صورت خصوصی از آیت الله قزوینی داشتم.

بنده می‌خواستم بپرسم ایشان مدت زیادی به همراه «حاج آقا روستایی» و «حاج آقا ابوالقاسمی» در «شبکه جهانی ولایت» نبودند. چه اتفاقی افتاد که «شبکه ولایت» را ترک کردند و به «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» آمدند؟! موفق باشید، التماس دعا.

### مجری:

سلامت باشید، خدانگهدار. آقای مصطفوی از ارومیه پشت خط هستند. ان شاءالله بعد از اینکه سؤال‌ها را شنیدیم و تماس‌ها را هم داشتیم، پاسخ شما را خواهیم داد. آقای مصطفوی از ارومیه سلام علیکم:

بیننده (آقای مصطفوی از ارومیه - شیعه):

سلام علیکم. تشکر می‌کنم از برنامه خوبتان به خصوص برنامه «استاد عباسی» که خیلی برایم جذاب و جدید بود. بنده یک خواهش و پیشنهادی در خصوص آرشیو برنامه داشتم.

«استاد یزدانی» برنامه‌هایی که اجرا می‌کنند را به صورت فهرست وار همراه با اسکن در سایت بارگذاری می‌کنند. اگر در این سایت هم به صورت آرشیوی باشد، امکان سرچ آن برای ما بسیار راحت‌تر خواهد بود.

بنده خواهش دیگری هم در رابطه با برنامه‌های آموزشی داشتم که به نظر جایش در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» خالی است. به عنوان مثال احکام از تقلید شروع شود که یک آموزش خوبی باشد.

سؤالی هم از خدمت حضرت استاد داشتم. بنده بحثی از منبری‌های عزیز شنیدم که فتوایی از «ابوحنیفه» را مطرح کردند.

«ابوحنیفه» فتوایی صادر کرده است مبنی بر اینکه در سجده یک چشمتان باز و چشم دیگران بسته باشد، زیرا من ندیدم چشم امام جعفر صادق در سجده باز هست یا بسته است.

بنده می‌خواستم ببینم آیا این روایت سندیت دارد یا خیر؟ اگر این روایت سندیت دارد، سند آن را بیان کنند. خیلی ممنونم

**مجری:**

بسیار خوب، از آقای مصطفوی تشکر می‌کنیم. آقای بهادری از کرج هم پشت خط هستند. فکر می‌کنم ایشان باید آخرین تماس باشند که فرصت می‌شود با ایشان در ارتباط باشیم. آقای بهادری بفرمایید:

**بیننده (آقای بهادری از کرج - شیعه):**

سلام علیکم و رحمة الله خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و جنابعالی. به جهت اینکه حضرت استاد در مورد «ابوحنیفه» مطالبی بیان می‌کردند، بنده خواستم با استاد همراهی کرده باشم.

در کتاب «تاریخ بغداد» جلد 11 صفحه 275 نقل شده است که نزد «ابوحنیفه» رفتند و گفتند: فلان شخص می‌گوید که شما چهارصد و اندی فتوا بر ضد پیامبر اسلام دارید. قضیه چیست؟!

ایشان در جواب می‌گوید: اگر پیامبر اسلام زنده بود و مرا درک می‌کرد، بخش اعظمی از فتوای مرا درک می‌کرد و به آن عمل می‌کرد و از من فتوا می‌گرفت!!

مشاهده کنید اسلام را به کجا رساندند! آقایان یهودی نشستند و شأن پیامبر گرامی اسلام را به قدری پایین آوردند که اولین صاحب مذهب که در سال 80 یا 83 هجری متولد شده و شاگرد امام صادق (علیه السلام) بود، می‌گوید که اگر پیامبر زنده بود به بخش اعظم فتواهای من عمل می‌کرد!!

لازم به ذکر است که یک چهارم ملت مسلمان هم مقلد ایشان هستند. این توهین به شأن خداوند متعال نیست؟! این توهین به شأن پیامبر اسلام نیست؟!

آقایان وهابی یا آقایانی که پیرو «ابوحنیفه» هستند، به ما مسلمانان جواب بدهند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

### مجری:

بسیار خوب، آقای بهادری از شما تشکر می‌کنیم. مثل همیشه الحمدلله مختصر و کاملاً مفید فرمودید.

### خلقت نوری پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) چهارده هزار سال قبل از خلقت حضرت آدم

حاج آقا در خدمتتان هستیم. آقای هاشمی که ابتدا تماس گرفته بودند، دو سؤال مطرح کردند. ایشان حدیث قدسی را بیان کردند که نسبت به خلقت نوری پنج تن آل عباس است.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با کتب اهل سنت در کتاب «تاریخ دمشق» جلد 42 صفحه 67 وارد شده است که رسول اکرم می‌فرماید:

«كنت أنا وعلی نوراً بین یدی الله مطیعا یسبح الله ذلک النور ویقدسه قبل أن یخلق آدم بأربعة عشر

ألف عام»

من و علی نوری در دستان خداوند عالم بودیم که در برابر خداوند عالم مطیع بودیم و تسبیح می‌گفتیم،  
چهارده هزار سال قبل از آنکه خداوند حضرت آدم را بیافریند.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبو القاسم علی بن  
الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین  
أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 42، ص 67، باب آخر الجزء التاسع والأربعین بعد الثلاثمائة من  
الأصل

همین تعبیر را آقای «احمد بن حنبل» در کتاب «فضائل الصحابة» جلد دوم صفحه 662 می‌آورد و می‌نویسد:

**«كنت انا وعلی نورا بین یدی الله عز وجل قبلان یخلق آدم بأربعة عشر ألف عام»**

من و علی نوری بودیم در دستان خداوند متعال و خدا را عبادت می‌کردیم چهارده هزار سال قبل از آنکه  
حضرت آدم آفریده شود.

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشیبانی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت  
- 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. وصی الله محمد عباس، ج 2، ص 662، ح 1130

همچنین روایت دیگری در این خصوص آمده است که می‌توان ادعای قریب به تواتر در خصوص آن کرد. آقای  
«سیوطی» در کتاب «الدر المنثور» ذیل آیه 37 سوره بقره:

**(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)**

سپس آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت.

سوره بقره (2): آیه 37

می‌نویسد:

«سأل بحق محمد وعلى وفاطمة والحسن والحسين ألا تبت على فتاب عليه»

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت -  
1993، ج 1، ص 147، باب البقرة: (37) فتلقى آدم من... ..

«ابن تيميه» هم همين تعبير را در كتاب «مجموع الفتاوى» جلد دوم صفحه 151 مى آورد. متأسفانه او تنها نام  
پيغمبر اكرم را مى آورد و مى نويسد:

«لما أصاب آدم الخطيئة رفع رأسه فقال يا رب بحق محمد إلا غفرت لى فأوحى إليه وما محمد ومن  
محمد فقال يا رب إنك لما أتممت خلقى رفعت رأسى إلى عرشك فإذا عليه مكتوب لا إله الا الله محمد  
رسول الله فعلمت أنه أكرم خلقك عليك إذ قرنت اسمه مع اسمك»

كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تيمية الحرانى أبو  
العباس، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمى  
النجدى، ج 2، ص 151، باب المقالة الاولى مقالة بن عربى صاحب فصوص الحكم

ما در كتب شيعه هم الى ماشاء الله روايت در اين زمينه داريم. در كتاب «كافى» جلد اول صفحه 437 چندين  
روايت در اين زمينه مطرح شده است.

در كتاب «بصائر الدرجات» اثر «مرحوم صفار» جلد اول صفحه 105 تا 108 چهارده يا پانزده روايت در رابطه با  
اين قضيه مطرح شده است.

**مجری:**

بسیار خوب، همين که روايتى در اين خصوص از «ابن تيميه» نقل شده است، معلوم مى شود که منابع از اين  
روايت پر است.



سؤال دوم در این خصوص بود که اگر مردم در رابطه با حب امیرالمؤمنین دست به دست هم می‌دادند، جهنم خلق نمی‌شد.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این روایت در کتب اهل سنت هم آمده است. آقای «خوارزمی» که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است، از قول «ابن عباس» روایتی را نقل می‌کند. این روایت حدیث قدسی هم نیست و ایشان سند روایت را هم مفصل نقل می‌کند.

**«قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لو اجتمع الناس على حب علي بن أبي طالب لما خلق الله النار»**

پیغمبر اکرم فرمود: اگر مردم بر محبت علی اجتماع می‌کردند و علی را دوست می‌داشتند، خداوند عالم آتش را نمی‌آفرید.

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، وفات: 568، تحقیق: الشيخ مالك المحمودی - مؤسسة سيد الشهداء (ع)، چاپ: الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني 1414، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ص 67، ح 39

بازهم در کتاب «تذكرة الخواص» اثر «سبط ابن جوزی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت روایتی از قول «ابن عباس» نقل شده است که می‌گوید: اگر تمام درختان عالم قلم شود و دریاها مرکب شود و جن و انس نویسنده شود، نمی‌توانند فضائل علی بن ابی طالب را به رشته تحریر درآورند!

این هم به برکت ایشان نقل شد. همچنین برادر عزیزمان جناب آقای بهادری مطلبی نقل کردند که واقعاً من نمی‌دانم آقایان اهل سنت چه مطالبی دارند.

این مطلب در کتاب «تاریخ بغداد» جلد 13 صفحه 390 نقل شده است. «ابن ابی شیبه» در کتاب «مصنف» جلد هشتم صفحه 363 مطالبی را مطرح می‌کند.

جالب اینجاست که در کتاب «السنة» اثر «عبدالله بن احمد» پسر «احمد بن حنبل» صفحه 344 نقل شده است: ایمان شیطان و ایمان ابوبکر یکی است.

همچنین «خطیب بغدادی» در کتاب «تاریخ بغداد» جلد 13 صفحه 388 نقل می‌کند که کسی در رابطه با قضاوت عمر بن خطاب صحبت کرد. ایشان در جواب می‌گوید: قضاوت شیطان و قول شیطان هست و رجز است.

ایشان عبارت وقیحی به کار می‌برد که من نمی‌خواهم آن را بیان کنم. همچنین از «امام مالک» نقل می‌کنند که در اسلام آدمی شوم‌تر از «ابوحنیفه» خداوند عالم نیافریده است.

بنده بارها گفتم که اگر این مطالب در کتب شیعه همانند کتاب «کافی» و «بحارالانوار» بود، آقایان اهل سنت کتاب «کافی» و «بحارالانوار» را آتش می‌زدند.

ما از اینطور روایات کاملاً مبرا هستیم و بر این عقیده هستیم که تعدادی از مخالفین یعنی حکومتی‌ها طبق سیاست خودشان، حنفی‌ها را به جان مالکی‌ها و مالکی‌ها را به جان حنفی‌ها می‌انداختند. آن‌ها همچنین حنبلی‌ها و شافعی‌ها را به جان همدیگر می‌انداختند.

آن‌ها از این اختلافات و روایات درست می‌کردند و در کتاب‌ها مطرح می‌کردند تا این مذاهب را به جان هم بیندازند و خودشان حکومت کنند.

عقیده بنده نسبت به اینطور روایات این است، اما اهل سنت باید جواب بدهند. همانطور که جناب آقای بهادری فرمودند، اهل سنت مخصوصاً عزیزان حنفی که تقریباً اکثریت اهل سنت کره زمین را شامل هستند، باید به این روایات جواب بدهند.

حنفی‌ها باید به روایاتی که در مذمت «ابوحنیفه» آمده است پاسخ دهند. همچنین در کتاب «تاریخ صغیر» اثر «بخاری» روایاتی در مذمت «ابوحنیفه» مطرح شده است که انسان مغز انسان واقعاً داغ می‌شود.

اگر این روایات در کتب شیعه بود، آقایان اهل سنت آسمان را بر سر شیعه خراب می‌کردند.

ما آمادگی داریم که عزیزان اهل سنت روی خط تشریف بیاورند یا به صورت زنده در برنامه تشریف بیاورند و پاسخگوی روایاتی باشند که در رابطه با «ابوحنیفه» در کتاب‌هایشان مطرح شده است. در این صورت هم ما و هم بینندگان می‌توانیم استفاده کنیم.

بنده در سال 1381 یا 1382 توسط تعدادی از دانشجویان دانشگاه أم القرى نزد آقای «شیخ محمد بن جمیل زینو» رفتیم.

ایشان یکی از مفتیان طراز اول مکه و رئیس دارالحدیث مکه هست و درس خارج تدریس می‌کند. ایشان تقریباً هفتاد کتاب تألیف کرده است، به طوری که غالب کتاب‌هایش به بیست زبان زنده دنیا ترجمه شده است.

بنده چند سؤال از ایشان پرسیدم و گفتم: این مطالب در کتاب‌های شما آمده است. اینجا مکه و مکان نزول حضرت جبرئیل و محل وحی است. من آمدم از شما سؤال بپرسم، جواب را یاد بگیریم و برای طلبه‌ها و دانشجویانی که از من سؤال می‌پرسند بگویم.

ایشان به هیچکدام از سؤالات من جواب نداد و گفت که فرداش بیایید. فرداش دانشجویان ما را به آنجا نبردند، بلکه نزد «پروفسور غامدی» بردند. ما زمانی که از ایشان هم سؤال پرسیدیم، ایشان هم جواب نداد.

ما خیلی دوست داریم عزیزان تشریف بیاورند و مطالبی که در ذهن جوانان شیعه و اهل سنت است را توضیح دهند. هدف ما روشنگری است.

بنده از پاسخ به سؤالی که عزیزمان داشتند هم فعلاً معذورم. ما هشت سال مسؤل «شبکه جهانی ولایت» بودیم. در صدا و سیما هم زمانی که کسی هشت سال مسؤل است، مسؤل دیگری می‌آید و برنامه‌های دیگری می‌آورد.

در حال حاضر ما در این سنگر هستیم و آنها هم مشغول هستند. ما از توضیح بیشتر هم در این زمینه معذور هستیم.

### مجری:

سلامت باشید، خدا حفظتان کند. آقای مصطفوی هم دو پیشنهاد داشتند. اولین پیشنهاد نسبت به آرشیو برنامه‌ها و قرار دادن مطالب در سایت «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» بود. پیشنهاد دوم نسبت به آموزش احکام بود.

سؤال سوم ایشان در مورد «ابوحنیفه» بود که ضمن فرمایشات حضرتعالی به کلیت آن اشاره شد که «ابوحنیفه» از روی عنادی که با حضرت داشت، یک چشمش را می‌بست و چشم دیگری را باز می‌کرد.

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده هرچه گشتم این روایت را در کتب شیعه و اهل سنت پیدا نکردم. «مرحوم شیخ انصاری» در کتاب «مکاسب» که کتاب درسی حوزه علمیه است، این را مطرح می‌کند.

یکی از مرجحات احادیث متعارضین، مخالفت با عامه است. ایشان می‌گویند علت چه بوده که می‌گویند: **«خذ بما خالف العامة»**. ایشان در ادامه می‌گویند که حکومت‌ها به دنبال این بودند که بعضی از علما را وادار کنند که هرچه امام صادق مطرح می‌کند، برخلاف حضرت فتوا صادر کنند.

ایشان این روایت را نقل می‌کند و می‌گوید: از «ابوحنیفه» سؤال کردند که وقتی به سجده می‌رویم، چشم‌هایمان را ببندیم یا باز کنیم؟

«ابوحنیفه» گفت: من نمی‌دانم که امام صادق گفته چشم‌هایتان را باز کنید یا ببندید. بهتر این است که یک چشمتان را ببندید و چشم دیگران را باز کنید!

در هر صورت با امام صادق مخالفت شده است. اگر امام صادق فرمودند چشم‌هایتان را ببندید، یک چشمتان باز است. اگر امام صادق فرمودند که چشم‌هایتان را باز کنید، یک چشمتان بسته است.

این روایت را «مرحوم شیخ انصاری» در کتاب «مکاسب» آورده است. بنده این روایت را ندیدم، اما شاید مدرکی در کتب شیعه یا اهل سنت داشته باشد.

تقریباً پانزده سال قبل بود که این روایت را در دانشگاه رضوی مشهد از ما سؤال کردند. البته در آن زمان امکانات نرم افزاری نبود و ما هرچه گشتیم، این روایت را پیدا نکردیم.

حال ما باز هم می‌گردیم و اگر مدرکی پیدا کردیم خدمت عزیزان تقدیم می‌کنیم. «شیخ انصاری» در کتاب «مکاسب» این روایت را آورده است.

### مجری:

بسیار خوب، خیلی ممنون و متشکرم. مثل همیشه بسیار بهره بردیم و از محضرتان استفاده کردیم. همچنین تشکر می‌کنم از همه شما بینندگان عزیز و ارجمند که تا پایان برنامه همراه ما بودید.

صرفاً با توجه به پیشنهادی که آقای مصطفوی دادند یک تذکری هم بدهم و یاد آوری کنم و شما بینندگان هم مطلع باشید که نسخه آرشیو شده همین برنامه در سایت وجود دارد.

شما می‌توانید هرگاه که خواستید این برنامه و مابقی برنامه‌های زنده را از سایت «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» دانلود و دریافت کنید.

همچنین دوستان نسخه نوشتاری همین برنامه‌هایی که انجام می‌شود از جمله برنامه‌های «حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی» را در سایت بارگذاری می‌کنند.

اگر به قسمت آرشیو مراجعه کنید، زیر فیلم تماماً به صورت نوشتاری و تایپ شده یک نسخه برای شما تهیه شده است و می‌توانید از همانجا هم این فایل را دریافت کنید. خیلی ممنون و متشکرم از دیدگان شما که تا انتهای برنامه ما را همراهی کردید.

اللهم اجعل محیانا محیا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماتنا ممات محمد و آل محمد اللهم صل علی محمد و آل محمد

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته